

اظهار نظر در ماده ۲۲۵ مکرر قانون آئین دادرسی مدنی

یکی از لوايح مفیدی که اخیراً بنا به پیشنهاد جناب آقای دکتر هدايتی وزير محترم دادگستری در کمیسیون مشترك قوانین تصویب و بموقع اجرا گذارده شده ماده ۲۲۵ مکرر قانون آئین دادرسی مدنی است و تا کسی با محاکم دادگستری سروکار پیدا نکرده باشد نمیتواند اهمیت و فایده این ماده از قانون را درک کند.

چه در مورد درخواست ثبت ملک اشخاص مغرض بمنظور استفاده مادی یا روی نظر خاصی دادخواست اعتراضی ثبت میدادند و اگر منظور آنها در وحله اول تأمین نمیشد در اثر تعقیب از دعوی پوچ و بیجا سالهای متمادی موجب زحمت متقاضی ثبت و تضييع وقت محاکم و اضرار بغير ميشدند.

یا اغلب افراد دعوی یا وکلاء آنها هر وقت که احساس میکردند نتیجه دادرسی بضرر آنها خواهد بود از راه تقدیم دادخواست ثالث باعث بطوء جریان و زحمت و خسارت طرف دیگر میگرددند و بعداً هم در قبال خسارت طرف مدعی اعسار میگشتند و تصویب ماده ۲۲۵ مکرر اصلاح آئین دادرسی مدنی هم اگرچه اغلب از بطوء جریان تا اندازه ای جلوگیری نموده و مینماید ولی مانع خسارت مادی طرف نمیگردد.

این است که تصویب ماده مذکوره مفید فایده بوده و در دعاوی یاد شده و مشابه آن علاوه بر جبران خسارت از بطوء جریان هم جلوگیری خواهد نمود ولی اگر تصویب ماده مذکور بهمان نحوی که در نشریه هفتگی وزارت دادگستری درج گردیده بوده باشد و کلمه یا جمله ای از آن حذف نشده باشد بنظر اینجانب ابهام یا اجمالی دارد.

۱ - در ماده مذکور ذکر شده است که :

در کلیه دعاوی مدنی اعم از دعاوی اصلی یا طاری و درخواستهای مربوط بامور حسبی باستثناء مواردی که قانون امور حسبی مراجعه بدادگاه را مقرر داشته است مدعی علیه میتواند برای تأدیه خسارتی که از بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل ممکن است مدعی محکوم شود از دادگاه تقاضای تأمین نماید و دادگاه در صورتیکه تقاضای مزبور را با توجه بنوع و وضع دعوی و سایر جهات موجه بداند قرار تأمین صادر مینماید. تا وقتی مدعی تأمین ندهد دادرسی متوقف خواهد ماند و در صورتیکه مدت مقرر در دادگاه برای دادن تأمین منقضی شود و مدعی تأمین ندهد بدرخواست مدعی علیه قرار رد دادخواست مدعی صادر میشود الخ ... »

اظهار نظر در ماده ۲۲۵ مکرر قانون آیین دادرسی مدنی

در این ماده اجازه میدهد که مدعی علیه برای تأمین و جبران خسارات احتمالی خود بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل که ممکن است مدعی در قبال وی محکوم گردد وسیله دادگاه تأمین لازم بخواهد (با استثناء مواردیکه قانون امور حسبی مراجعه بدادگاه را مقرر داشته است) .

منظور این است که مدعی علیه هر وقت طرف دعوی اصلی و غیر اصلی حقوقی واقع شده چنین حقی را دارد با استثناء موارد یاد شده در ماده مذکوره حال باید دید منظور قانون گذار از این استثناء کدام است ؟

برطبق قانون امور حسبی مصوب ۳۱۸ باشخاص اجازه داده شده برای اقدام و انجام امری بمحاکم حقوقی مراجعه کنند و دادگاه صالحه با توجه بماده اول این قانون و سایر مواد از این قانون نسبت بدرخواست متقاضی تصمیم لازم اتخاذ مینماید و مراجعات اشخاص هم از دو صورت خارج نیست :

یا در همان وحله اول در قبال متقاضی شخص یا اشخاص دیگری قرار گرفته اند مثل ماده ۳۰۰ الی ۳۲۶ در تقسیم سهم الارث و ماده ۹۶ الی ۱۰۱ در مورد عزل قیم و ماده ۱۹۴ الی ۲۰۵ در برداشتن مهر و موم از ترکه متوفی و مشابه آن .

و یا اینکه هنگام تقدیم دادخواست کسی رأساً طرف دعوی قرار نگرفته است مثل نصب امین ترکه و اشخاص غائب و بلا وارث و دادن اموال بورثه و فوت فرضی و مهر و موم و تحریر ترکه و انحصار وراثت و غیره (مواد ۱۳۰ - ۱۳۳ - ۱۵۳ - ۱۶۷ - ۱۹۴ - ۲۰۶ - ۲۶۰ از قانون امور حسبی) که در صورت اول شخص یا اشخاصی طرف دعوی قرار داده شده و چون ممکن است متقاضی که در واقع بمعنی مدعی است در تقاضای خود ذیحق شناخته نشود و از حیث هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل طرف دعوی متضرر گردد برطبق ماده اصلاحی مدعی علیه حق خواستن تأمین لازم را دارد .

در قسمت دوم اگر چه حین تقاضا کسی طرف متقاضی نیست ولی ضمن رسیدگی باین امور ممکن است شخص یا اشخاصی از قبیل بستانکار یا وصی یا وارث و غیره نسبت بدرخواست متقاضی معترض بشود . (البته معترض بحکم نیست که پس از صدور حکم بدادگاه مراجعه نموده و مدعی شناخته شود) و چه بسا در مراجعه و اعتراض خود در قبال متقاضی ذیحق و ذینفع شناخته شوند پس اینگونه اشخاص هم که قهراً متحمل تأدیه سبغی بابت خسارات دادرسی و حق الوکاله وکیل گردیده و برطبق اصول کلی و ماده ۷۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی میتوانند از طرف مقابل خسارات را مطالبه نمایند حق دارند از متقاضی که در اینصورت در واقع مدعی شناخته میشوند تأمین لازم را بخواهند که اگر این استدلال صحیح بنظر برسد از ماده اصلاحی مفهوم نمیشود که دسته سوم و بخلاصه موارد استثنائی کدام است و برای رفع این اجمال خوب بود یکی دو مورد مثال زده میشد .

۲ - در ماده اصلاحی ذکر شده است : در صورتیکه مدت مقرر در قرار دادگاه برای دادن تأمین منقضی شود و مدعی تأمین ندهد بدرخواست مدعی علیه قرار رد دادخواست مدعی صادر میشود و حال آنکه در این ماده و ماده ۲۲۵ اصلی از آیین دادرسی

اظهار نظر در ماده ۲۲۵ مکرر قانون آئین دادرسی مدنی

مدنی و سایر مواد مربوط باخذ تأمین خسارت احتمالی برای سپردن تأمین مدتی مقرر نشده است.

و اگر منظور این است که خود دادرسی دادگاه مدت را معین کند با لحاظ اینکه نظر و عقیده قضات محاکم در این مورد قهراً مختلف بوده و بعضی که دارای وسعت نظر هستند ممکن است مدت زیادی را تعیین و عده دیگر بمنظور تسریع در امر دادرسی مدت کوتاهی را در نظر بگیرند مضافاً آزاد گذاردن دست قاضی در امور مربوط بدادرسی در وضع حاضر بصلاح نیست بهتر بود در ماده الحاقی مدتی برای اخذ تأمین منظور میشد.

۳ - در دعاوی مالی که میزان حق الوکاله در ماده ۷۴ از آئین نامه قانون وکالت تصریح شده اشکالی نیست ولی در دعاوی غیر مالی که اغلب حق الوکاله های گزافی در قرار داد طرفین تعیین میگردد و متفاوت هم هست اخذ تأمین بچه نسبت باید تعیین و تأمین شود منظور این است که تأمین بنسبت حق الوکاله وکیل مدعی در صورت داشتن وکیل بر طبق قرارداد تنظیمی فیما بین باید اخذ گردد یا وکیل مدعی علیه در صورت اختلاف فاحش در میزان حق الوکاله در دو وکالتنامه (با توجه باینکه هنوز دعوی بمرحله صدور حکم نرسیده که دادگاه بر طبق قسمت اخیر ماده ۷۴ آئین نامه قانون وکالت در صورت وجود اختلاف میزان حق الوکاله را معین کند) اخذ تأمین بچه میزان خواهد بود.

ناگفته نماند که چون ماده ۲۳۳ آئین دادرسی مدنی میزان خسارت را بنظر دادگاه بر گذارنموده قضات محاکم در مورد این ماده و ماده ۲۴۵ قانون مارالد کروماده اصلاحی از قانون ثبت نسبت بمیزان خسارت رویه های مختلفی دارند چه بعضی صدی ده یا دوازده بنسبت اصل مدعی به و بعضی صدی صد خسارت برای تأمین خواسته معین مینمایند و در نوع تأمین که از ماده ۲۲۵ اصلی استنباط میشود باید وجه نقد باشد نیز عقاید مختلفی وجود دارد چه بعضی بجای وجه نقد اموال منقول و غیر منقول را برای خسارت طرف قبول مینمایند.

از طرفی تصدیق دارند که معلومات قضات محاکم بنا بمدارج تحصیلی ومدارك علمی و عملی وسایر جهات با وجود قوانین عدیده و متراکم در یک سطح نبوده و سلیقه های متفاوت و مختلفی وجود دارد و ممکن است در اجرای مفاد ماده اصلاحی نیز نظر و رویه های عدیده پیدا شود که اسباب زحمت ارباب رجوع یا خود قضات گردد لذا بجا است نسبت بماده مذکوره و سایر موادیکه مورد نظر است اشکالات موجوده را در نظر گرفته و اگر اصلاحی را لازم بدانند اقدام فرمایند.